



دانلودرمان های ایرانی جدید و مطابق با قوانین جمهوری اسلامی ایران

...: Mroman.iR:...

دنباشته آنچه از دل باقیست | مهدیه احمدی

mroman.ir برای دانلودرمان بیشتر به امرمان مراجعه کنید

دنباشته آنچه از دل باقیست | مهدیه احمدی

mroman.ir برای دانلودرمان بیشتر به امرمان مراجعه کنید

این کتاب در سایت امرمان ساخته شده است (mroman.ir)

دیگر دنباشته های ما:

دانلود دنباشته دل تنگ من

دانلودرمان بی تاب سند

دانلود دنباشته یک دل تنها

نام دنباشته: آنچه از دل باقیست

نویسنده: مهدیه احمدی

ویراستار: نسترن بانو

تگ: منتخب

مقدمه:

بیگمان روزی حرفهای دل تمام میشود و آن روز برای من فرا رسیده، برگهای دفتر

دلم حال به اتمام رسیده است. این تکهای از زبان دلم است برای دلش.

شاهای روزی دوباره دفتر دلم باز شاهاد و برگگی از آن را نوشااا اما حال این آخرین

نوشتههای دلم هست، از حرفهایی که بوی دلش را میدهد.

ای... عاشق خسته‌ی من!

رنگ نوشته‌های دلم، به رنگ گیسوانم مشکبست.

mroman.ir برای دانلودرمان بیشتر به ام‌رمان مراجعه کنید

میدانم روزی میرسد که موهایم به رنگ دندانهایم میرسد!

هلهله کشان پشت من آمده‌اند و دست بر روی دلشان گذاشته‌اند.

همه همه می‌کنند و اطراف را شلوغ.

کدامشان خبر دارد در دلم چه گذشته است!

سیاهپوش نباش، مکروه است!

سفیدپوش، حتی اگر دلت سیاه است.

غمکدهای در راه است؛ غمکدهای که وجود تو را در خودش دعوت کرد و نیامدی.

روزی تو تمام من بودی و حال من تمام دیگری و دلم لرز دارد اما برای او میتپد، چون

عشقش بوی تازگی دارد.

در پس نوشااته‌های من، این رنگ غم اسالات تلخ از زهر و قهوه‌ی روبه‌رویم که خود را

نشان میدهد.

همه ناراضی و خودم راضی که گویی حرفهایم را بی‌پروا به دست قلمم داده‌ام تا روی

کاغذ بکشد، ناله‌های دلم.

به رخ کشیدن قدرت قلمم کار آسانی نیست؛

میلرز، التماس میکند، که مبادا دلگیر شوی.

من وادارش کرده‌ام اگر همراهم نباشد، فریاد دلم را به رخت میکشتم!

ناتوانتر از هر چیزی هست نوشته‌های خط خورده و داغون دلم.

mroman.ir برای دانلودرمان بیشتر به ام‌رمان مراجعه کنید

مثلا اسمشان را گذاشتهام دلنوشته.

اگر بگویم خون نوشته بهتر است، چون این بیمعرفتها دلم را رها کرده‌اند!

دیگر به خاطرات مجوز ورود به افکارم را نمیدهم!

از امروز به بعد دنبال حس عشق گذشته و حسرت نبود تو نیستم.

بگذار کوچه‌های خاطراتمان از این پس خاک بگیرد، بگذار غم را نشاااانه خود کند اما غبار بگیرد.

زین پس به دنبال حسی نو کنار عشق عمیق کسی میگردم که مرا از جانش میخواهد و مرا برای خود میخواهد.

مگر داریم این قدر عاشق؟

نمیداند چرا دلگیرم،

نمیداند عمق غم من چیست اما با من ناراحت میشود، از گریهام عصبی میشود، مرا در آغوش میگیرد.

آغوشاش مثل آغوشات گرم اسات، حتی گرمتر از بازوان تو! چون من حس دوسات داشتن بدون غرور را کنارش تجربه کرده‌ام..

تلخی روزگار هنوز میان دوست داشتن من و عشق او به من وجود دارد.

مثل تو غیرتش زیاد است و شاید بیشتر! چون مالکیت من از آن اوست و تو قسمتی که قرار بود باشی نیستی.

mroman.ir برای دانلودرمان بیشتر به ام رمان مراجعه کنید

حال فقط جمله های دوست داشتن را به مردم میزنم. یاد ندارم به او گفته باشم عاشقش هستم، اما گفتم دوستش دارم بسیار و عمیقترین حس من، دوست داشتن اوست!

این کتاب در سایت **ام رمان** ساخته شده است **mroman.ir** ()

چه حسی داری؟ بعد از روزها به تو واقعیت را گفتم. بعد از مرور خاطراتمان به تو گفتم که دیگر جایی در ذهن من نداری و حتی خاطرت را از ذهنم پاک میکنم، تا دیگر همهمهای میان این شبهای شب زنده داریم نداشته باشم...

زین پس فقط شاید به قبر اح سا سم سر بزمن و لبخندی بزمن، اما دیگر میان خاطرات با تو بودن گم نمیشوم... چون میخواهم خاطرات جدید با حسی نو را تجربه کنم.

اگر باز دسات به قلم شاوم، قول میدهم از زیبایی دوسات داشاتن و رنگارنگ بودنش بنویسم، از روزهای خنده و شادی بنویسم.

اری کم و ابری مه مانند کنار قلبم ایستاده.

تصامیم دارم نیمی از قلبم که در عشاققت ساوخت و داغون شاد را به دساتش بساا پارم.

میدانم تعمیر نمیشود، ولی شاید روزی بتواند تو را فراموش کند!

تصمیم را بدون هیچ دیدی به دل، با عقل گرفتم.

این محدودیت بر این اجبار اسات، این محدودیت فکری و چرخ نزدن در خاطرات تو برای من اجبار است.

ای لعنتی تو را چگونه از یادم و خاطرم ببرم؟!

mroman.ir برای دانلودرمان بیشتر به ام رمان مراجعه کنید

جنگلی پر از خیال و وهم تو در دلم رشااا کرده، نمیدانم بیتو و این روزهای بیقراری
چه کنم!

من فقط میدانم باید فراموش کنم، روزهای با تو بودن را.

این خاطراتت مرا نابود میکند!

سراپا گوش به حرفهای دلم باش...

گوشهایت را بگیر...ردلم هوایت را نمیکند...

حرفهای دلم، حرفای دیگر است...

حرفهای بعد از توست که قرار است بعدها دیگر در دلم هم نباشی، حتی خاطراتم!

سر به فلک کشیده، رسوایی عاشقانه ما دوتا...

بیتاب کرده دل من، دل تو را...

نابود تو شدهام بی تو من، قرار شبهای بیقراریم خاطرات توست.

دیگر نمای دلم بی تو بهتر است، میخواهد آرامش را بدون تو و خاطرات امتحان کند!

گذشت روزهای بی تو بودن و تمام شد، بیقراریهای دلم.

گذشت روزهایی که در عمق وجودم تو را کم داشتم.

میرسااا روزی که فقط به یادت آه میکشاااام و میگویم گذشاااات روزهای تنهایی و

خوشحال امید دارم روزهای سبز دوباره میآیند.

باز پاییز رسیده است و فصل دوباره دوست داشتن رنگها...

mroman.ir برای دانلودرمان بیشتر به ام رمان مراجعه کنید

که هنوز رنگ و بوی دلت در آن جامانده.
 ای عشق لعنتی، چرا از دلم دل نمیکنی؟!
 صدای دلم را همه شنیده‌اند، بارها صدایت زد نبودی! حال من هم میروم تا صدای دلت
 را نشنوم... دوری بهتر از بودن بدون توست!
 آنچه میان ما دو تا بود خیال بود...
 آنچه دل من را به دلت گره زده بود، طنابی پوسیده بود...
 آنچه کنارمان نبود حرفهای عاشقانه بود...
 ما فقط در دل عاشق بودیم، که ای کاش آن هم نبود!
 خیال من با تو روشن میشود، رویای من!
 با تو میدرخشد توهمات من!
 با تو بازی سرنوشتم به پایان رسیده است!
 میان ما دو تا فقط من ماندم و تو... تویی که اگر بودی، ما میماندیم!
 سرزمین من سرزمین عشاق بوده است، اما حیف که تمام عاشقان فقط عاشق بوده‌اند...
 خبری از ما شدنشان نیست و هر که بود تنها ماند در حسرت عشق یار!
 این روزها همه از عشق حرف میزنند اما...
 همه عاشقهای تنها! پس زیادند مثل ما دو تا...
 جدا از هم!

mroman.ir برای دانلودرمان بیشتر به ام رمان مراجعه کنید

بیخبر از حال هم، حالا که من رفتم، تو در غم مانده‌ای.

بی تو از یاران به نام تو کنم من یاد روزگار تو...

این کتاب در سایت **ام رمان** ساخته شده است (mroman.ir)

من به جانم میخرم دوری ز تو

تا که در یادت بمانم جان من

داستان ما جایی تمام شد که تو بودی و او

من ماندم و دلم.

تو ماندی و خوشی

من ماندم و یه دنیا غم

تو ماندی و دلبری کردن معشوقهات

من ماندم و بی تو ماندن تا ابد

تو ماندی و عذاب وجدان تهمت‌هایت

من ماندم و قلبه زخم خورده از تهمت‌های تو

تو ماندی و یک عمر پشیمانی

من ماندم و یک عمر حسرت روزهای خوشی که میتوانستم بی تو داشته باشم و ندارم

تو ماندی و لحظه‌هایی که دلت برایم تنگ میشود

mroman.ir برای دانلودردمان بیشتر به امردان مراجعه کنید

من ماندم و شادیهای غمانگیزی که بعد از تو دارم
 من نمیدانم چه کردم که روزگار لعنتی برای دلم هیچ وقتی ندارد!
 هیچ کس مرا درک نکرد، هیچ کس با من همراه نشد.
 هر که از هر جا رسید زخمی بر دلم زد و گذشت!
 این روزها هر چه میگذرد، باز هم تو همان جا ماندهای
 مگر نگفتم برو و ریشهی عشقت را بسوزان؟
 مگر نگفتم این عشق برایم تمام میشود؟
 چرا دلت را از خاطرات با من بودن پاک نمیکنی؟
 چرا بی من نمیشوی و دلم را رها کنی؟
 چرا تنهایم نمیگذاری، تو چرا این غم دوریت پایان نمیگیری؟
 چرا هر غمی دارم آخرش هنوز با خاطرات تو لبخند به ل**بهایم میآید؟
 چرا هنوز غم نبودنت هم برایم شاد هست؟
 چرا هر چه تلاش میکنم ریشهی عشقت خشکیده شود، اما قویتر از قبل میشود؟
 هیچ وقت از کارهایت سر درنیاوردم، هیچگاه!
 من...
 همه میگویند قویام.

mroman.ir برای دانلودردمان بیشتر به امردان مراجعه کنید

همه از برندگی زبانم میگویند که تا به حال خیلیها را نابود کرده است.
 همه از دل سنگم میگویند که چطور تو را شکستم و کنارت نماندم.
 چرا کسی از قلبم حرف نمیزند، چرا کسی از درونم نمیگوید؟
 چرا ک سی نمیگوید چه بر سرت آمد که بیقرار شدی که دل سنگ شدی، زبانت نیش
 دارد؟

چرا کسی از درونم خبری نمیگیرد؟

چه کرده‌اند با دل من آه خدا؟ این دل من دیگر نمیتپد!

این تپیدنها برای خودش هست نه من...

برای نفسهایی که مجبور است بیایند تا باز هم کسی پیدا شود دلم را لگد کند، تا باز به
 من بخندند تا خیالشان راحت شود که در حین نفس کشیدن نفسی برای کشیدن ندارم.
 تا باور کنند این دخت همان دختری بود که بارها غرورش همه را نابود کرد...
 اما حال همه از نابودی دلش حرف میزنند.

آری من همانم که اساتوار قدم بر میداشاتم؛ اما حال دیگر نیساتم که بخوامم برایتان
 لبخند بزنم.

سرآغاز دلم شد شکستگی و ترک خوردن، پایانش را نمیدانم.

آیا دلت هوای دلم را نکرده است؟ آیا نگاهم نمیکنی؟ من تنهای تنها پ ست میگذارم،
 آیا میخوانی؟

mroman.ir برای دانلودرمان بیشتر به ام‌رمان مراجعه کنید

سرگرمی روزهای بیقراریم...

فکر و مرور خاطرات روز‌های با تو بودن هساات. تا زمانی که لبخند بخواهم بر روی
 ل**بهایم باشد، نگاهت را در پشت پلکهای بستهام میبینم.
 شنیدهام گویند آن کس که گریه میکند یک غم در دل دارد...
 اما آن کس که میخندد، غم دارد و غم دارد و غم دارد...
 دقیقا مثال حال تمام روزهای من است، بی تو!
 بیا با هم کنار هم...
 خوشی رو تجربه کردن...
 بیا با من کنار من
 منم با تو برای تو
 نفسهایم کنار تو
 خوشی رو تجربه کردن
 با باران منم تنهام
 بیار امروز برای من
 خوشی رو با تو دیدم من
 ندارم من غم و غصه
 بیار باران برای من.

mroman.ir برای دانلودرمان بیشتر به ام‌رمان مراجعه کنید

گذشتاتم از خودم، باز هم نتوانساتم از تو و خاطراتت بگذرم! میخواهم خود را به پایان
 برسانم و تو و خاطراتت هم همچنان باقی بمانی.

دلوشته دلگیرم sanam_gh |

این کتاب در سایت امرمان ساخته شده است (mroman.ir)

MrOman.ir